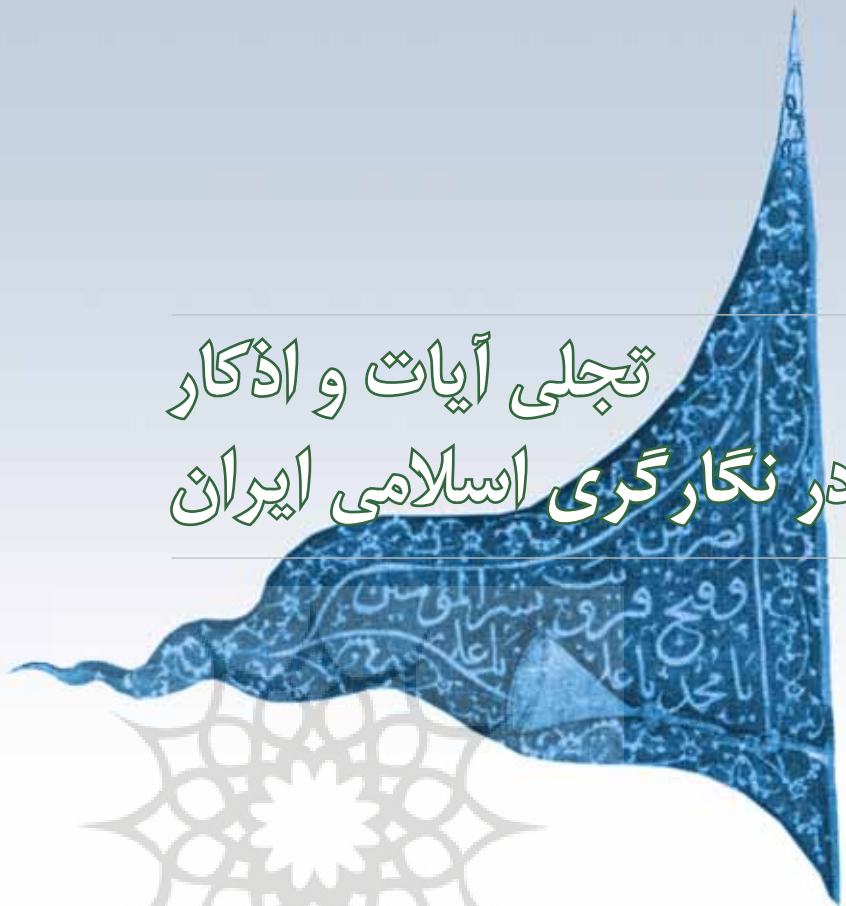


تجلی آیات و اذکار در نگارگری اسلامی ایران



وحی تحقق می‌یابد، از این رو شعر دینی، ترجمان آیات الهی در مقام آینه‌داری است. اگر هنر را در تمامی جلوه‌هایش، زبان دل انسان بدانیم و به یاد آوریم که دل جایگاه هبوط آیات الهی و عرش رحمان است، آن گاه به خوبی درمی‌یابیم که همه‌ی جلوه‌های هنر دینی و به‌خصوص هنرهای اسلامی، تجلیات کلام الهی است که از بطن آیات قرآنی به ظهور رسیده‌اند. هر کلام، نمایانگر «تصویری» است. این تصویر می‌تواند به اجمال طرح شود یا در سیری متوالی به تصاویر بسیار متنوع تبدیل گردد، چنان که هر کس از ظن خود، جلوه‌ای از این تصاویر را بر پرده‌ی خیال خویش نقش می‌نماید. از آنجا که صورت منعکس در آینه‌ی خیال هنرمند، حقیقت اثر هنری است، همه‌ی هنرها وجه مشترکی در «تصویر» می‌یابند. گاهی این تصاویر به یکدیگر تبدیل می‌شوند، گاه از یکدیگر عاریه می‌گیرند و زمانی نیز در همراهی با هم، به یک تصویر واحد، معنی می‌بخشند. تصویر هنری اگر در قالب لفظ و کلمه ظاهر شود به شعر و سایر هنرهای ادبی تبدیل شده و اگر در هیئت شکل و رنگ و بافت جلوه کند، نقاشی به وجود می‌آید. بسیاری از تصاویر و نمادهای شعری می‌توانند به تصاویر نقاشی تبدیل شوند و همان جلوه‌ی معنوی را به ظهور رسانند این برگردان تصویری، گاهی با شکل و گاهی به

کلام را می‌توان مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل بیان انسان و رساترین جلوه‌ی حق بر انسان دانست. در کلام خلق نیز که جلوه در نطق انسان و سایر موجودات دارد، سرکلام حق مکتوم است و آنانی که راز کلام را می‌دانند، هم‌سخن حق و دیگر موجودات شده و دست به اسرار می‌برند. کلام را می‌توان تصویری دانست که دائماً چهره می‌گشاید و در صورت مشخصی ثبوت نمی‌یابد. از این رو می‌تواند چهره‌گشای حقیقتی جدید یا جلوه‌ای بدیع از حقایق مکنون باشد. هنر نیز صافی‌ترین ظرف خود را کلام یافت و شورانگیزترین بیان قلبی هنرمند در کلام موزون، مقفی و مخیل به منصفی ظهور رسید.

شعر، زبان پنهان هنرمند شد و به آنجا رسید که سالک عاشق را به سرحد هم‌سخنی با معبود پیش برد و به مغالنه با وی نشانند. این غزل‌سرایی که مبین کلام الهی و راز محبت حق نسبت به خلق است، در کلام شاعرانه‌ی هنرمندان مسلمان به ظهور رسید و از ایشان «لسان‌الغیب» یا «مرغ سخن سرای حق» ساخت.

خوش چمنیست عارضت خاصه که در بهار حسن

حافظ خوش کلام شد مرغ سخن سرای تو

تعالی کلام شاعر از فیض کلام‌الله است. سخن خدا در کلام

وسيله‌ی رنگ نمایان می‌شود.

در هم‌سخنی هنرها با یکدیگر دیده می‌شود که واژگانی را از یکدیگر به عاریت می‌گیرند و در قالب هنری خویش معنایی جدید به آن می‌بخشند. یکی از بهترین نمونه‌های این هم‌سخنی، بین نگارگری و ادبیات در حوزه‌ی فرهنگ و هنر اسلامی پدیدار شده است.

نظامی شاعر سخن‌سنج ایرانی با اشعار عارفانه و فردوسی با حماسه‌سرایی در تصویرسازی صحنه‌ها و استفاده از بیان تصویری

در یک نگاره، می‌توان به این حقیقت پی برد که وجه مشترک و اصول شکل‌گیری (هندسه نقش) همه‌ی هنرهای اسلامی به یک اصل بازمی‌گردد و بر همین اساس است که می‌توان مجموعه‌ای هماهنگ از جلوه‌های این هنرها را در یک نگاره بدون آن که یکی از آنها در مقابل دیگری خفیف یا کم اهمیت شده باشد، به وجود آورد.

دوره‌های مختلف نگارگری، نشان دهنده‌ی سیر این تعامل و جلوه‌گری هنرها در یک نگاره است. از آنجا که موضوع بحث این مقاله، به بخشی از نوشتار، یعنی «آیات و اذکار» در نگارگری بازمی‌گردد، صرفاً این بخش از موضوع مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

یکی از نکات مهمی که باید به آن توجه نمود، حفظ مراتب و شأن کلام و تصویر است. این حساسیت و توجه حتی به حفظ مراتب کلام الهی و شعر، که کلام انسانی است، می‌انجامد. برای مثال، کلام الهی همواره در متن نگاره و اغلب بر روی فضاهای معماری و جزء لاینفک آن بوده و در جایگاهی قرار گرفته که حافظ شأن و مرتبت آن است؛ اما اشعار که زبان انسان و بیان حال اوست، اغلب در خارج از نگاره و بر روی متن کاغذ تحریر شده است.

بیشترین نوشتار کلام الهی و اذکار و ادعیه در نگارگری، در دوره‌ی تیموری و به‌خصوص در مکتب هرات مشاهده می‌شود. کمال‌الدین بهزاد با اصرار بر این امر، به وجهی نمادین، از آیات و اذکار استفاده و آنها را در بیان هنرمندانه‌ی خویش مؤثر نمود، به گونه‌ای که درک حقیقی آثار وی بدون توجه به معانی آیات و اذکار و قرارگیری آنها در جایگاه‌های خاصشان، ممکن نخواهد بود.

استفاده از آیات و اذکار، گذشته از اینکه می‌تواند در بیان معنوی نگاره تأثیری مستقیم داشته باشد؛ از نظر بصری نیز جلوه‌ای روحانی به اثر می‌بخشد و جنبه‌ی مادی و جسمیت اثر

نقاشی را به شدت کاهش می‌دهد.

در نگارگری غالباً به دو طریق فضای نگاره تلطیف می‌شود. خوشنویسی در هر دو صورت اشعار یا آیات، اعم از اینکه درون نگاره و با رنگ تحریر شده باشد یا اینکه بر متن کاغذ و مجزا از نگاره قرار گیرد، سبب تلطیف اثر می‌گردد. صورت دیگر تلطیف نگاره‌ها، به وسیله‌ی تزیینات هندسی و تذهیب در درون نگاره‌ها، خوشنویسی، تذهیب و نقوش هندسی است که سبب تلطیف و بیان روحانی در نگاره می‌شود.



تصویر ۱

خاص نقاش، به صحنه‌آرایی مضامین خود پرداخته‌اند و در عین حال تصویرگری خاص شعر را نیز به آن افزوده‌اند و ارمغان جدیدی را به هنر نگارگری عرضه کرده‌اند. اما برخی از تصاویر یا نمادهای ادبی و به‌خصوص شعری، هرگز نمی‌توانند در هیئت شکل‌ها و حتی رنگ‌ها، در نقاشی جلوه نمایند؛ در این صورت نوشتار در کنار تصویر حضور می‌یابد و بیان نقاشی، کامل‌تر می‌شود.

هنر نگارگری صحنه‌ی هم‌سخنی چندین هنر، همچون نقاشی، شعر، خوشنویسی، معماری و هنرهای صنایعی است. با کمی تأمل

نگارگران همواره سعی داشتند تا از آیات و اذکار به گونه‌ای استفاده نمایند که صرفاً جنبه‌ی تزیینی نداشته باشد. همچنین اگر تحریر آیات الزامی نمی‌نمود، نگارگر اصراری در به کار بردن آن نداشت. معمولاً در کتیبه‌ی مساجد، آیاتی همچون «و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا»^۱ یا آیه‌ی شریفه‌ی «انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة»^۲ به وسیله‌ی رنگ روشن بر زمینه‌ی لاجورد یا سیاه نوشته شده است.

در نگاره‌ای منسوب به کمال‌الدین بهزاد که لحظه‌ی نزول وحی بر پیامبر اکرم (ص) را نشان می‌دهد، رسول خدا در مسجد و درون محراب تصویر شده‌اند و آیات ۱۸ تا ۲۲ سوره‌ی جن، بر کتیبه‌ی اطراف محراب تحریر شده است.

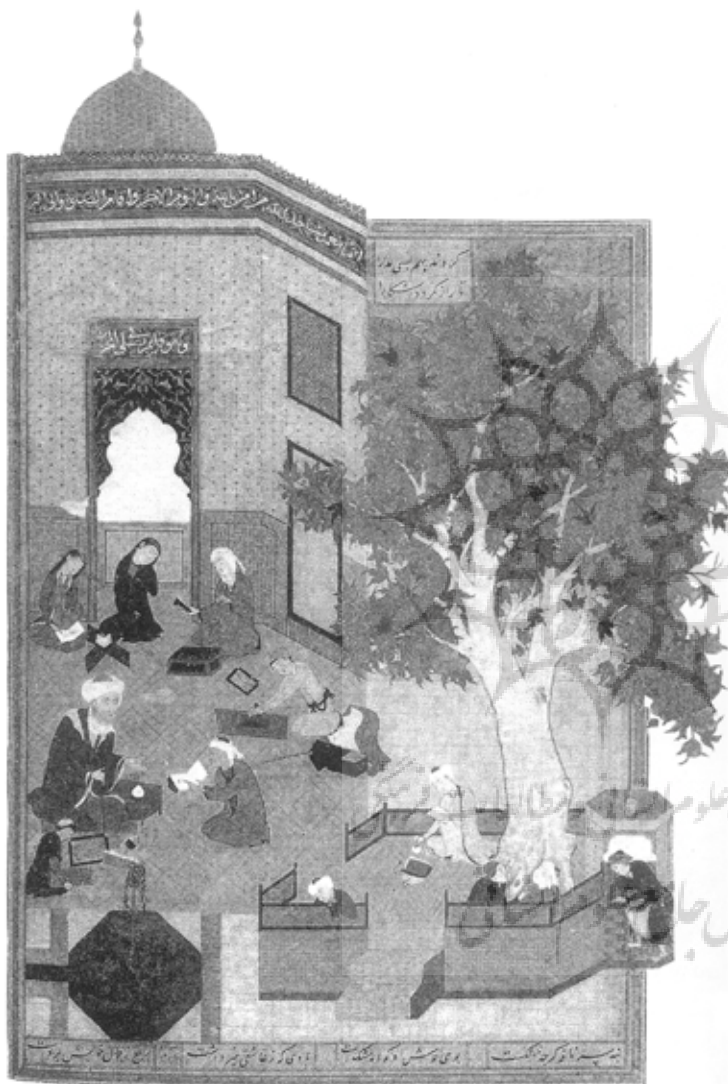
این آیات که دلالت بر حقیقت مسجد نموده و تعلق آن مکان را به خداوند نسبت داده و هر سجده‌ای را برای او دانسته است؛ مناسبت موضوعی مستقیمی با مضمون این نگاره دارد. اما در نگاره‌ی دیگری منسوب به ابن هنرمند که بیانگر داستان آشنایی سعدی با جوان خوب‌روی است (تصویر ۱) تصویر مدرسه‌ای نشان داده می‌شود که بر کتیبه‌ی ایوان این مدرسه نیز همین آیات نقش شده است. در این صورت گرچه می‌توان چنین تصور نمود که کلاس درس در مسجد برگزار شده اما با توجه به بیان نگارگری، به‌خصوص در عصر کمال‌الدین بهزاد می‌توان گفت که تصویر این نوع مدارس که در آن پیوند عشق با معبود بسته می‌شود، جلوه‌ی دیگری از سجده‌گاه مؤمنین است و از این مدرسه است که عالم معانی، به‌خصوص معنای عشق ازلی بر انسان آشکار می‌شود.

معمولاً نگاره‌هایی که مدرسه را با آیات مربوط به مسجد نشان داده، دارای مضامینی عارفانه است. حتی اگر ظاهر داستان بیانگر این مطلب نباشد - آن چنان که در داستان سعدی با جوان خوب روی دیده می‌شود - اما نگارگر در این اثر نیز فضای مدرسه را همچون نگاره‌هایی با مضمون آشنایی لیلی و مجنون در

مدرسه، تصویر کرده است. در داستان دلدادگی لیلی و مجنون به یکدیگر، همواره این دو جلوه‌ی عشق را در محراب مسجد که همان مدرسه است قرار داده‌اند و با آیاتی همچون «و هو قائم یصلی فی المحراب»^۳ یا روایات و کلمات عارفانه‌ای همچون «الله و لاسواه»^۴ کتیبه‌ی این محراب‌ها تزیین شده‌اند.

یکی دیگر از جلوه‌های آیات، در نگاره‌ی زیبایی «آغاز دلدادگی لیلی و مجنون در مدرسه»، اثر استاد کمال‌الدین بهزاد است (تصویر ۲)

این نگاره‌ی ارزشمند که به مکتب خاص ابن هنرمند تعلق دارد و در هرات ترسیم شده، براساس برداشت عارفانه‌ی نظامی از داستان لیلی و مجنون شکل گرفته است. در این نگاره دانش‌آموزان مشغول تحصیل درس و فنون مربوط به کاغذسازی هستند و لیلی و مجنون بی‌توجه به درس، در کنار محراب با اشارات عشق آشنا می‌شوند. عشق در کودکی مبین عشق ازلی انسان است از این رو مشاهده می‌شود که بر کتیبه‌ی محراب نیز آیه‌ی شریفه «و هو قائم یصلی



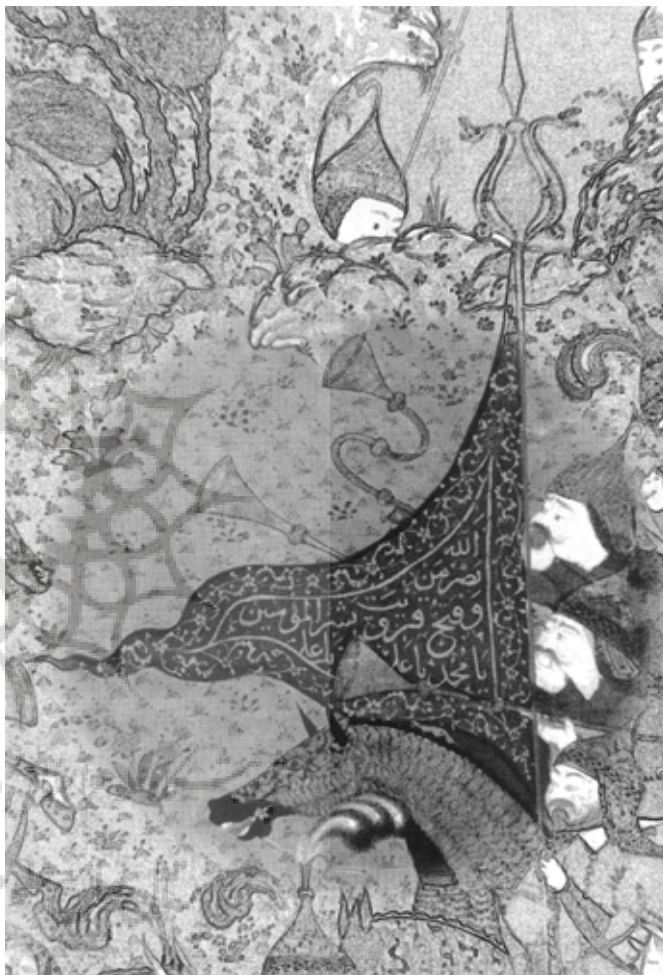
تصویر ۲

فی المحراب»^۵ تحریر شده است.

این آیه اگر چه درباره‌ی حضرت زکریا نازل شده، اما در این مقام جلوه‌ای نمادین یافته است. این آیه با در نظر گرفتن صحنه‌ی دلدادگی دو کودک در محراب، اشاره‌ای به مقصد توحید و مقام عشق ربانی است. بر کتیبه‌ی مدرسه نیز آیه‌ی مربوط به بنای عمارت مسجد نوشته شده و مدرسه را سجده‌گاه حق ساخته است. در کنار این آیه با تأکیدی چشمگیر، بیتی از منظومه‌ی لیلی و مجنون

نوشته شده که دلالت بر کتمان عشق دارد و به درک مجموعه‌ی این معانی کمک می‌کند.

در اینجا نمونه‌های دیگر استفاضه از آیات در نگاره‌ها که مستقیماً اشاره به مضمون نگاره دارد نیز بررسی می‌گردد. در یک نگاره که داستان «تاج‌گذاری کیخسرو» نشان داده شده، آیه‌ی شریفه‌ی «قل اللهم مالک الملک، توتی الملک من تشاء و...»^۵ بر روی کتیبه‌های قصر دیده می‌شود. این آیات در کنار قاب‌های شعر که اشاره به مضمون داستان دارد، معنایی رمزگونه از قدرت و سلطنت حق بر



تصویر ۳

عالم را بیان می‌دارد و نوعی تأیید قدسی بر این مراسم است. در نگاره‌هایی دیگر، آیه‌های نوشته شده جنبه‌ی بشارت دارد. مثلاً در نگاره‌ی «فتح قصر افراسیاب» که رستم را در حال از جای کردن درب این قصر نشان می‌دهد، آیه‌ی شریفه‌ی «ادخلوها بسلام آمنین»^۶ نوشته شده است. جهت اشاره‌ی این آیه با رستم و قوای ایرانیان است. این امر با دو کتیبه‌ی مربع شکل که بر روی آنها کلمات «سعادت باد» و «مبارک باد» نوشته شده، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در نگاره‌ی «اسکندر و پیر» گونه‌ی دیگری از استفاضه‌ی

آیات در نگاره‌ها را شاهدیم. در پایین این اثر، اسکندر در حالی که استدعای دعا برای فتح دژ دشمن را از پیر می‌نماید ترسیم شده و دژ مورد نظر در بالای نگاره قرار گرفته است. بر روی کتیبه‌ای این دژ آیات ۷ و ۸ سوره‌ی مبارکه‌ی فجر نوشته شده است. «ارم ذات المعاد. التی لم یخلق مثلها فی البلاد»^۷ این آیات در مورد شهر ارم و استحکام آن در مقابل دشمنان است که به خواست خداوند ویران گردید. تحریر این آیات بر کتیبه‌های قصر، استحکامات دژ و ناتوانی اسکندر در غلبه بر آن را مورد تأکید قرار می‌دهد.

یکی از نکات مهم در به‌کارگیری آیات و اذکار در فضاهای معماری یا بر روی ملزومات زندگی، وسایل جنگی یا هر موضع دیگر این است که زمینه‌ی انتخاب شده حتماً می‌بایست در موضع حق باشد تا آیات الهی بر روی آن نوشته شود؛ مگر اینکه مخاطب آیه قوای حق بوده، یا اینکه همچون نگاره‌ی اسکندر و پیر، عاقبت نافرجام باطل توصیف شده باشد که در این موارد آیات و اذکار بر موضع متعلق به اهل باطل نیز نوشته می‌شود.

از زمینه‌های مناسب دیگر که آیات الهی را در خود جای داده، پرچم‌های جنگی یا علم‌هاست. همیشه بر روی پرچم قوای حق آیاتی همچون «نصر من الله و فتح القریب»^۸ نوشته شده و پرچم از جهتی به اهتزاز درآمده که رو به قوای خصم دارد (تصویر ۳)

حضور مستقیم آیات در نگاره‌های مکتب هرات، به طور گسترده‌ای رایج بوده است. اما در مکاتب پس از هرات همچون تبریز و قزوین و مشهد این نکته به ندرت مورد توجه قرار می‌گیرد و در مکتب اصفهان تقریباً به کلی از بین می‌رود، به نحوی که اگر در برخی از نگاره‌ها آیه‌ای دیده می‌شود به صورت نوشتار متن است که خارج از قاب اثر، تحریر گردیده است.

در نگاره‌ی معجزه‌ی حضرت موسی(ع) که عصای ایشان به صورت اژدهایی درآمده و به جان منکران افتاده است، آیه‌ی شریفه‌ی «قلنا لا تخف انک انت الاعلی»^۹ و «جاء الحق و زهق الباطل»^{۱۰} در درون متن و خارج از حاشیه نوشته شده است. در این اثر نیز، آیه در نوشتار فوقانی اثر قرار گرفته تا شأن آن به درستی محفوظ ماند.

گذشته از آیات الهی که به صورت آیاتی کامل از قرآن کریم در نگاره‌ها به کار می‌رفته، ذکری از کلمات قرآنی یا اذکاری از ادعیه‌ی اسلامی نیز به چشم می‌خورد که هر یک متناسب با مضمون نگاره، بیانگر وجهی از وجوه باطنی است که سبب غنای معنوی نگاره می‌شود. برخی از این اذکار که مأخوذ از نگاره‌هاست، به این ترتیب است:

«الملک لله و الحمد لله العزیز - سبحان الله، و الحمد لله و لاله الاالله و الله اکبر - و لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم - یا مفتح الابواب - الحمد لله علی نعمائه - و الحمد لله وحده - لاله

اللاّله، محمد رسول الله، علی ولی الله - الله ولی التوفیق - یا مسبب الاسباب - اللهم صلی علی محمد المصطفی و الامام علی المرتضی و... الشکر لله - الله ولاسواه - العزة الله تعالی - المنة لله - الملك لله».

گاهی اذکار به صورت اشعاری به کار برده شده‌اند که مصرعی از آن به زبان فارسی و مصرعی دیگر ذکری به درگاه معبود است. به عنوان مثال معمولاً بر روی درگاهی که به سوی مراجعین به قصرها باز شده، این شعر به چشم می‌خورد. (تصویر ۴)

گشاده باد به دولت همیشه این درگاه

به حق اشهدان لاله الاالله

اذکار نیز همچون آیات، همواره با رنگ بر روی نگاره‌ها نقش می‌شوند و در حاشیه قرار نگرفته، مدد رسان بیان هنری اثر می‌شوند. کلمات ذکر همچون آیه‌ها، شأن و مقام خاصی دارند و بیان آنها نیز به منظر حق رجوع می‌نماید.

این نوع بیان در آثار دیگری که غلبه حق بر باطل را نشان می‌دهد به چشم می‌خورد. مثلاً در نگاره‌ای که فریدون را پس از حاکم شدن بر قصر ضحاک نشان می‌دهد. صورتی نمادین از کشته شدن دو محافظ کاخ وجود دارد که دو دیو سیاه و سفید نیز غرق در خون به موازات آنها ترسیم شده‌اند. در این صحنه، بر کتیبه‌ی بالای سر در جمله‌ی «الله ولی التوفیق»^{۱۱} نوشته شده است.

نمونه‌ی دیگر استفاده از اذکار در داستان‌های عارفانه و عاشقانه است که این عمل سبب تطهیر موضوع می‌شود و توجه بیننده‌ی اثر را به معانی باطنی، از ورای تصاویر ظاهری جلب می‌نماید. برای مثال، نگاره‌های ملاقات خسرو و شیرین با اذکاری همچون «الحمدالله - و الحمدالله وحده - یا مفتاح الابواب و...» همراه با متانت رفتار انسان‌ها و معصومیت طرح در نگاره‌ها فضایی مملو از عشق پاک را نمایان می‌سازد.

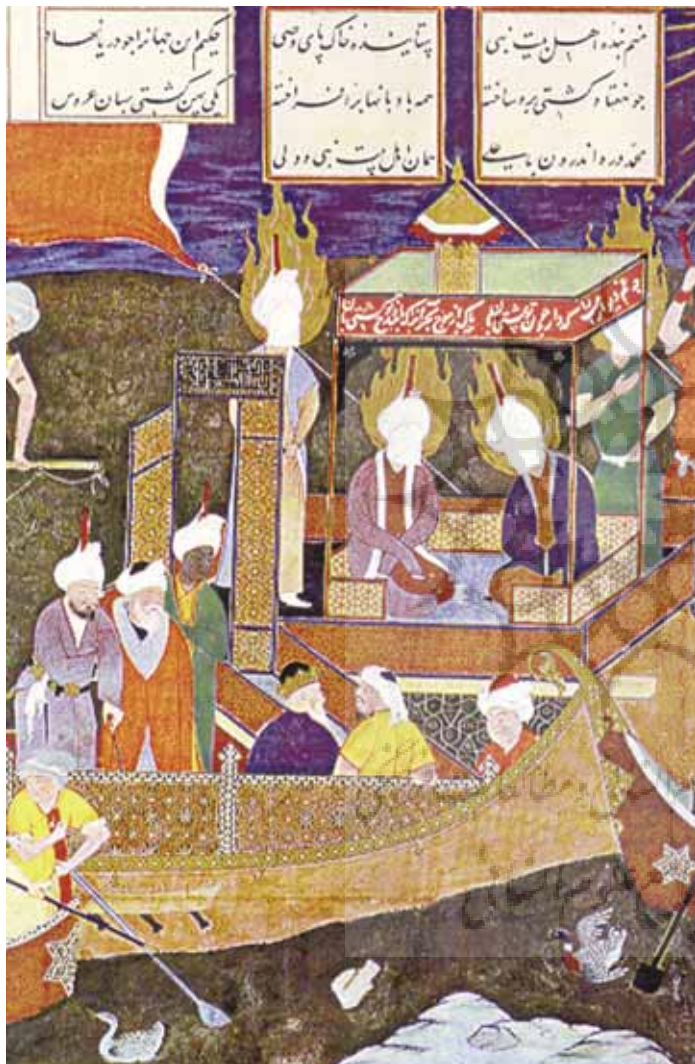
در نگاره‌ی ملاقات پیامبر اکرم(ص) از حوض کوثر در سفر معراج، از کتاب مصور معراج‌نامه، سه مقام و جایگاه وجود دارد که بر روی هر یک از آنها گنبدی قرار گرفته و بر درگاه آنها نیز پرده‌ای آویزان است. بر کتیبه‌های سر در این مقام‌ها، اذکار «لاله الاالله - محمد رسول الله - علی ولی الله» نوشته شده که نام علی بن ابیطالب(ع) دلالت بر مقام شامخ ایشان در نسبت با کوثر دارد.

ذکر «یا مفتاح الابواب»^{۱۲} اغلب بر سر درخانه‌ها و قصرها نوشته می‌شود.

این ذکر در نسبت با احوال فرد یا افرادی است که قصد ورود به حریمی خاص دارند. یکی از این جلوه‌ها در نگاره‌ی زیبایی ملاقات شیخ صنعان و دختر ترسا دیده می‌شود. در این نگاره دختر ترسا در

ایوان طبقه‌ی دوم ساختمان قرار گرفته و شیخ در حیاط خانه تصویر شده است.

حالات درونی شیخ در ذکر «یا مفتاح الابواب» که بالای در بسته‌ی خانه نوشته شده، تجلی کرده است (تصویر ۵). گاهی دیده می‌شود که نگارگر، استفاده از اذکار را صرفاً بهانه‌ای برای بیان معتقدات خویش و عرض ارادتش به پیشگاه معصومین علیهم‌السلام می‌داند. در چنین وضعیتی نوشتن اذکار ربطی مستقیم یا نمادین، به مضمون اثر ندارد.



تصویر ۴

در نگاره‌ی «بازگرداندن رودابه به قصر با همراهی ندیمان»، صلوات بر پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) بر کتیبه‌های قصر نقش بسته است. این اذکار به گونه‌ای نوشته شده که می‌توان گفت بر گرد این قصر نام تمامی معصومین(ع) وجود دارد؛ اما این ذکر به صورت مقطع نوشته شده (اللهم صل علی محمد المصطفی....) است آنچه مسلم است هنرمندان نگارگر سعی در بیان حقیقتی نمودند که همه‌ی هنرمندان مسلمان در طریق رجوع به قرآن کریم در جست



تصویر ۵

و جوی آن بودند. عامل اتحاد همه‌ی هنرهای اسلامی نیز حضور قرآن و تجلی حقایق آیات در آثار هنری اسلامی است که عکسی از دل هنرمند مسلمان است و نشان از بهره‌های قرآنی دارد. اگر از آیات و اذکار بگذریم، روایات و احادیث بسیاری نیز وجود دارد که با همان ویژگی آیات و اذکار به کار گرفته شده‌اند. بیشترین استفاده از احادیث و روایات در تصاویری است که نقشی از مسجد یا کعبه را نشان می‌دهد. برخی از این احادیث و روایات چنین است: «الصلاة عمادالدين^{۱۳} - المؤمن في المسجد كالسمك في الماء

اسلامی» مبدل سازد و بیان هنر تصویری را با ظاهر و باطن قرآن کریم متناسب گرداند.

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم

پانوشتها:

- ۱- و همانا مسجدها از آن خداست و با وجود خدای یکتا کسی را به خدایی مخوانید. سوره‌ی جن، آیه ۱۸.
- ۲- همانا مسجدهای خدا را کسانی می‌سازند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند و نماز می‌گذارند و زکوة می‌دهند. سوره‌ی توبه، آیه ۱۸.
- ۳- در حالی که در محراب به نماز ایستاده بود. سوره‌ی حجر، آیه ۴۶.
- ۴- خدا، و دیگر هیچ.
- ۵- بگو، بار خدایا تویی دارنده‌ی ملک، به هر که خواهی ملک می‌بخشی و از هر که بخواهی ملک می‌ستانی، هر که را بخواهی عزت می‌دهی و هر که را بخواهی ذلیل می‌داری، همه‌ی نیکی‌ها به دست توست و بر هر کاری توانایی. سوره‌ی آل عمران، آیه ۲۶.
- ۶- با سلامتی و ایمنی وارد شوید. سوره‌ی حجر، آیه ۴۶.
- ۷- با ارم که ستون‌ها داشت، و همانند آن در هیچ شهری آفریده نشده بود. سوره‌ی فجر، آیات ۷ و ۸.
- ۸- نصرتی است از جانب خداوند و فتحی نزدیک. سوره‌ی صف، آیه ۱۳.
- ۹- گفتیم مترس که تو برتر هستی. سوره‌ی طه، آیه ۶۸.
- ۱۰- حق آمد و باطل نابود شد. سوره‌ی اسراء، آیه ۸۱.
- ۱۱- خدا توفیق دهنده است.
- ۱۲- ای گشاینده‌ی درها.
- ۱۳- نماز، ستون دین است. پیامبر اکرم (ص)
- ۱۴- مؤمن در مسجد همچون ماهی در آب و منافق در مسجد، مانند پرنده‌ای در قفس است. پیامبر اکرم (ص)
- ۱۵- بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را به دیگران آموزش دهد. پیامبر اکرم (ص)
- ۱۶- هر کس برای خدا مسجدی بسازد، خدا نیز برای او خانه‌ای در بهشت بنا می‌نهد. پیامبر اکرم (ص)
- ۱۷- بشتابید به سوی نماز، پیش از آنکه مرگ فرا رسد.



والمنافقين في المسجد كالطير في القفص^{۱۴} - خيركم من تعلم القرآن و علمه^{۱۵} - من بنى لله مسجداً، بنى الله له بيتاً في الجنة^{۱۶} - عجلوا بالصلاة قبل الموت^{۱۷}

نگارگری اسلامی ایران، با دلبستگی به فرهنگ اسلامی، از طرق مختلف سعی می‌نمود تا در باطن آیات الهی رسوخ نموده و جلوه‌هایی از حقایق مکنون آنها را به تصویر درآورد. مکتب هرات با اصرار زیاد در استفاده‌ی مستقیم و غیرمستقیم از آیات و اذکار و روایات اسلامی، توانست هویت نقاشی ایرانی را به «نگارگری